سینما به حال خود رها شده است!

علی اکبر ثقفی، تهیه‌کننده سینما درباره اهمیت فیلمسازی و حال و هوای این روزهای سینما گفت: کشاورزی را در نظر بگیرید، اگر باران نبارد آیا کارش را تعطیل می‌کند؟ سینما هم به همین شکل است و بالای ۶۵۰۰ عضو خانه سینما داریم و حدود ۱۰۰۰۰ نفر سینماگر داریم که از این راه امرار معاش می‌کنند و نمی‌توان فیلمسازی را تعطیل کرد همچنین ما به طور تقریبی ۵۰۰۰ پرسنل در سالن‌های سینما داریم و این افراد از چه راهی باید امرار معاش کنند؟ تهیه‌کننده فیلم «مرگ کسب و کار من است» در ادامه افزود: مسئولین و مدیران سینمایی و همچنین دولت و وزارتخانه باید فکر اساسی برای سینما کنند و تمهیداتی برای آن در نظر بگیرند. در حال حاضر ضربه اساسی به سالن‌های سینما خورده است، این در حالی ست که ۱۰۰ سالن هم امسال اضافه شده بود. او اظهار کرد: بخشی از سینماگران نیز روی به شبکه نمایش خانگی آوردند و ساختار سینما و هنر نمایش تغییر پیدا کرده است و به علت شرایط بحرانی کرونا و خالی شدن سینماها که به دلیل عدم برنامه ریزی مسئولان ذیربط است، سینما رها شده است. به گزارش باشگاه خبرنگاران، ثقفی درباره اکران آنلاین گفت: در این نوع اکران حفاظت از فیلم‌ها وجود ندارد و بسیار خطر قاچاق فیلم وجود دارد؛ دولت باید تضمینی دهد یا برنامه‌ای را پیاده کند که سرمایه فیلم هدر نرود حال این برنامه می‌تواند تخصیص بخشی از فروش نت باشد یا دیگر برنامه‌ها که نیاز به کارشناسی دارد.

نگاهی به وضعیت یکی از مهم‌ترین ژانرهای سینمایی که مهجور مانده است

پتانسیلی تحت عنوان انیمیشن

آفتاب یزد – یوسف خاکیان: کشور ما چندین دهه است که در حوزه سینما فعالیت می‌کند و در طول این همه سال کارگردانان مختلفی پا به عرصه وجود گذاشته و کم و بیش باعث شده‌اند که سینمای ایران به لحاظ تولید محتوا از سطح تقریبا متوسط آرام آرام پیشرفت کند و نتیجه‌اش این بشود که امروزه می‌بینیم به جایگاهی در خور شأن رسیده و در میان آثار تولید شده توسط فیمسازان کشورهای دیگر به قول معروف سری در سرها درآورده و مایه افتخار و مباهات ایران و ایرانی در اقصی نقاط این گیتی پهناور شده است؛ کارگردانانی که آثارشان در جشنواره‌های معتبر خارجی موفق به کسب جوایز متعدد باارزشی شده‌اند و به این ترتیب سینماگران کشورهای دیگر را به این موضوع واقف نموده‌اند که حالا دیگر باید سینمای ایران را به عنوان یکی از غول‌های هنرهفتم در عرصه جهانی به حساب آورد و هرجا که قرار است جشنواره‌ای برگزار شود حتما باید یکی از اصلی‌ترین مهمانانش کارگردانان و فیلم‌های ایرانی باشد که همین مسئله موجب رونق گرفتن آن جشنواره یا جشنواره‌های خاص خواهد شد. منصفانه هم اگر بنگریم پیشرفت سینمای ایران تنها در یک بعد صورت نگرفته برای مثال در گذشته سینمای ژاپن را با فیلم‌های سامورایی می‌شناختند، سینمای هالیوود با فیلم‌های اکشن و حادثه‌ای و پرخرج شناخته می‌شد یا سینمای آلمان با فیلم‌های معمولا جنگی مرتبط با موضوع جنگ جهانی دوم و نازی‌ها در دنیا مشهور بود و کما اینکه در روزگار امروز هم همین روال ادامه داشته باشد، مثلا روسیه بیشتر تمایل دارد فیلم‌های تاریخی بسازد، یا کشور هند به تولید فیلم‌هایی با موضوعات عاشقانه و رقص و آواز شهره است و حتی سینمای کره و چین و تایلند و هنگ کنگ نیز به عنوان سینمای بزن بزن و ورزش‌های رزمی و شمشیربازی در آسمان و این قبیل موضوعات در دنیا شناخته می‌شود. تمام اینها حکایت از نوعی پیشرفت تک بعدی می‌کند که این کشورها در ساخت فیلم‌هایی با موضوعات خاص به آنها مشهورند. اما وقتی درباره سینمای ایران حرف می‌زنیم و پیشرفتش را بررسی می‌کنیم در می‌یابیم که این سینما، سینمایی منحصربفرد است، به این مفهوم که رشد و پیشرفتش تک بعدی و یک جانبه نیست، یعنی آثاری که تولید می‌کند تنها به یک ژانر خلاصه نمی‌شود و در توانایی تولید آثار تصویری در ژانرهای مختلف را دارد. از کمدی و درام گرفته تا دفاع مقدسی و اجتماعی و مستند و... این یعنی یک سینمای خاص، یعنی پیشرفت همه جانبه در عرصه هنرهفتم. مسلم است که این پیشرفت محصول گذر زمان و تلاش همه جانبه بوده است، به این مفهوم که از ابتدا ما نمی‌توانستیم در ژانرهای مختلف آثار تولیدی خوبی را به سینمای جهان معرفی کنیم و دنیا روی همه ابعاد سینمای ایران حساب باز نمی‌کرد و تقریبا سینمای ایران نیز سینمایی تک بعدی بود، اما گذر زمان و شناخت پتانسیل‌های جدید در ژانرهای دیگر این نوید را برای سینماگران ایرانی آورد که می‌توانند تولید آثار تصویری خود را به سمت ژانرها و گونه‌های دیگر ببرند و در آن مسیرها هم فیلم بسازد. همین موضوع سبب شد که سینمای ایران در طول زمان دریابد که می‌تواند در حوزه مستند، دفاع مقدس، اجتماعی، کمدی، ملودرام و... تولید مطلوب و باکیفیتی داشته باشد. این پیشرفتها آنقدر درخشان بودند که زمینه ظهور آثار تولیدی در مدیومهایی مانند نمایش خانگی را فراهم آورند و کارگردانان دریابند که می‌توانند در حوزه سریال‌سازی نیز فعالیت‌های خوبی را انجام دهند. یکی دیگر از گونه‌های تصویری که سینمای ایران چند سالی ست متوجه آن شده است. ژانری تحت عنوان «انیمیشن». اولین نکته‌ای که در مورد این ژانر سینمایی به نظر می‌رسد این است که همه مدعی‌اند انیمیشن را می‌شناسند اما از میان این همه تنها عده محدودی هستند که به کاربرد انیمیشن واقفند، اینکه انیمیشن به چه دردی می‌خورد یا به سخن بهتر به درد چه کسی می‌خورد؟ خیلی از ما فکر می‌کنیم انیمیشن فقط مختص کودکان است و به آدم بزرگ‌ها مربوط نمی‌شود، به همین دلیل خیلی آن را جدی نمی‌گیریم. خیلی هایمان حتی فکر می‌کنیم اگر روزی پای تماشای یک انیمیشن بنشینیم و یکی از دوستانمان ما را در آن حالت ببینند حتما به ما خواهند خندید و خواهند گفت: «بچه شدی؟ نشستی کارتون نگاه می‌کنی؟ پاشو جمع کن خودتو» این نوع دیدگاه‌ها باعث می‌شود که ژانر مهم و تاثیرگذار انیمیشن آنچنان که باید و شاید در کشور ما جدی گرفته نشود، در حالیکه انیمیشن در دنیا به عنوان یکی از شاخه‌های مهم فیلمسازی شناخته می‌شود و هرساله کمپانی‌های مهمی مانند دیزنی، مترو گلدوین مایر، پیکسار، جیبلی، دریم ورکس، نیکلودئون، وارنر، سونی پیکچرز و... با صرف هزینه‌های سرسام‌آور اقدام به تولید انیمیشن‌های جدید می‌کنند و آنها را روانه سینماهی جهان می‌کنند. آثاری که در بدترین حالت این قدرت را دارند که حتی پیرمردهای ۹۰ ساله

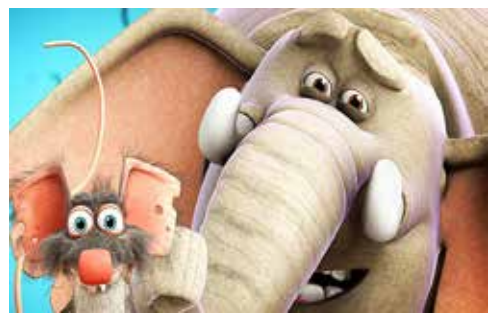

> ما به عنوان یک شهروند ایرانی، از مسئول و متولی امور فرهنگی گرفته تا مردم عادی باید در تحقق آنچه می‌دانیم می‌تواند شرایط افتخار آفرینی را برای سرزمین ما فراهم آورد، بکوشیم و نهایت تلاشمان را بکار بگیریم. انیمیشن نشان داده که این پتانسیل را دارد چرا که هم از هنرمند مستعدش برخوردار است و هم زمینه کار در سوژه‌های بکر و منحصر بفرد. بنابراین می‌مانیم ما و اینکه آیا دلمان بخواهد هنوزمسافر قطار سریع السیر انیمیشن باشیم یا در یکی از ایستگاه‌ها پیاده شویم

را برای تماشای خود به سالن‌های سینمای سینما بکشانند. در این مسیر پیشرفت تکنولوژی هم به مدد این کمپانی‌ها آمده به نحوی که حتی توانسته‌اند کارتون‌های نوستالژیک زمان کودکی کودکان دیروز را به صورت جدید بازسازی نمایند و چه از این بهتر که آدم بزرگ‌ها حالا دیگر به اندازه کودکان و حتی بیشتر از آنها از تماشای انیمیشن لذت می‌برند. این موارد در طول سالهای اخیر المان‌های لازم را به فیلمسازان (مخصوصا جوانترها) داد و به آنها یادآور شد که اگر می‌خواهند در سینما به پیشرفت قابل توجهی نائل آیند اکنون بهترین وقت عمل است و آنها باید خود را داخل قطاری بیندازند که با سرعت سرسام‌آوری به سمت جلو حرکت می‌کند. قطاری تحت عنوان «انیمیشن». اوایل شاید سخت بود و حتی هنوز هم شاید مشکل باشد، اما در طول همین چند سال اخیر شاهد هستیم که انیمیشن در کشور ما توانسته به پیشرفت‌های خوبی نائل آید. پیشرفت‌هایی که حتی برخی از کمپانی‌های بزرگ جهانی را وادار کرده که روی انیمیشن‌های ایرانی سرمایه‌گذاری کنند، جدا از این مسئله رفته رفته شاهد هستیم که انیمیشن ایرانی همانند فیلم‌های سینمایی در دل جشنواره‌های معتبر خارجی در حال جا باز کردن است و دارد توانایی خود را به رخ جهانیان می‌کشد و آنها را وادار می‌کند که رویش حساب ویژه‌ای باز کنند. اگر باور نمی‌کنید ده سال دیگر انیمیشن ایران را مورد بررسی قرار دهید و کارشناسی کنید که در آن زمان کشور ما در این ژانر سینمایی در کجای دنیا قرار دارد. اما آنچه بیان کردیم دلیل این نیست که همه چیز به قول معروف گل و بلبل است و ما در نقطه آرمانی به سر می‌بریم که اگر چنین بود قطعا فاصله تخمینی ما (ده سال) اینقدر زیاد نبود و شاید حتی می‌توانست به اندازه کمتر از یک‌سال هم برسد. این یعنی ما در حوزه انیمیشن از مشکلات بسیاری رنج می‌بریم و این ژانر تازه جان گرفته در کشور ما موانع زیادی سر راه خود می‌بیند که باعث می‌شوند حرکت رو به جلوی انیمیشن‌سازی در کشور ما بسیار کند صورت گیرد. پیشتر در گزارشی که به بررسی انتقادات اشکان رهگذر کارگردان انیمیشن «آخرین داستان» که توانسته توجه جهانیان را به خود جلب کند، منتشر کردیم مواردی از این موانع را ذکر و عنوان کردیم که مسئولان و هم سرمایه گذاران باید به این امر توجه کنند و نگاه ویژه‌ای به تولیداتی که در این ژانر سینمایی صورت گرفته داشته باشند اما تمامش این نیست و پر واضح است که اگر می‌خواهیم بلیت ماندن در قطار سریع السیر انیمیشن همچنان در جیبمان باشد و به مسافرتمان در این قطار ادامه دهیم باید به مسائل دیگری نیز توجه کنیم. مسائلی که به بخشی از آنها در ادامه اشاره می‌کنیم.

■ هنرمندان مستعد:

همه ما به این موضوع واقفیم که سینما به سینماگر نیاز دارد و تا سینماگری نباشد یک اثر سینمایی تولید نمی‌شود. حوزه انیمیشن هم از این قاعده مستثنی نیست. پیشتر بیان کردیم که حرکت رو به جلوی انیمیشن در کشور ما بسیار کند و لاک پشت وار صورت می‌گیرد. این موضوع حقیقتی را برای ما آشکار می‌کند، اینکه وقتی حرکتی صورت می‌گیرد یعنی سینماگر دغدغه مند تولید آثار انیمیشینی در کشور ما وجود دارد و مشغول فعالیت هم است، اما اینکه این حرکت لاک پشت وار است نشانگر آن است که موانع و مشکلات زیادند و لاک پشت ما برای اینکه بتواند به مسیر خود ادامه دهد باید تمام این موانع را از سر راه خود بردارد. طبیعی است که هنرمند دغدغه مند این کار را انجام خواهد داد، اما نکته مهم اینجاست که او تا چه زمانی به این حرکت لاک پشت وار ادامه می‌دهد در حالیکه به خوبی به این امر واقف است که می‌تواند در کشورهای دیگر که به تلاش او اهمیت بیشتری می‌دهند در پیشرفت خود سرعت بیشتری داشته باشد. مسلما هنرمند انیمیشن ساز ما تا یک اندازه‌ای صبوری خواهد کرد و به حرکت کند خود ادامه خواهد داد اما زمانی فرا خواهد رسید که او با خود می‌گوید: «بسه دیگه ول کن، هیچکس به فکر ما نیست، اینهمه تلاش می‌کنیم آخرش هیچی به هیچی» انتقادات اشکان رهگذر را در زمینه مشکلاتی که در پروسه ساخت انیمیشن «آخرین داستان» بیان کرده را بخوانید تا به منظور نظر ما پی ببرید. سوال اینجاست که هنرمندانی از این دست که به دلیل تلاش فراوان توانسته‌اند به جایگاه خوبی برسند تا چه زمانی به کار کردن در این شرایط ادامه می‌دهند؟ در حالیکه اگر که کشورهای پیشرفته در حوزه ساخت انیمیشین مهاجرت کنند وضعیت‌شان به شکل قابل توجهی تغییر خواهد کرد. مطمئنا نمی‌توانیم بگوییم «هرکی نمی‌خواد بره»، این منطق درستی نیست، منطق عقلانی می‌گوید سرمایه هایت (خصوصا سرمایه‌های انسانی) را نگه دار و برایشان فرصت کار مهیا کن و به آنها پر و بال بده تا موجب پیشرفت کشورت شوند، عقل سلیم هم همین را تایید می‌کند و این یعنی مسئولان و سرمایه گذران باید به موضوع هنرمندان مستعد توجه ویژه‌ای داشته باشند چرا که این هنرمندان هستند که اگر شرایط را مساعد ببینند، می‌توانند حرکت کند لاک پشتی را به حرکت تند خرگوشی تبدیل کنند و این یعنی پیشرفت.

■ فرهنگ بومی در انیمیشن

یکی از مهمترین ابزار معرفی فرهنگ در هر کشوری هنر است، هنر باعث می‌شود که تو به عنوان یک فرد ایرانی بتوانی آنچه را که از گذشتگان سرزمینت به تو به ارث رسیده به جهانیان معرفی کنی. متاسفانه موضوعی که در سینمای ایران خیلی کمتر به آن توجه شده این مسئله است. اینکه در فیلم هایمان همواره از سختی‌ها و رنج‌ها گفته‌ایم و خیلی کم به خوبی‌ها پرداخته ایم، مثلا اینکه بیان کنیم قصه رستم و اسفندیار چگونه رخ داده است یا سنت نوروز در سرزمین ما از چه پیشینه‌ای برخوردار بوده و گذشتگان ما چگونه‌ایم مراسم را جشن می‌گرفتند. شاید سینماگران مدعی شوند که فیلم‌های سینمایی عموما توان نمایش چنین مسائلی را ندارند چرا که اگر قرار باشد چنین موضوعاتی در فیلم‌های سینمایی به تماشا گذاشته شوند هزینه‌های سرسام‌آوری بر روی دست کارگردان و تهیه‌کننده قرار می‌گیرد که اساسا مشخص نیست که در زمان اکران آیا بازگشت سرمایه‌ای داشته باشند یا نه؟ تا حدودی این حرف در حوزه فیلم‌های سینمایی منطقی است اما می‌توان از پتانسیل انیمیشن برای معرفی فرهنگ بومی سرزمینمان به مردم کشورهای دیگر نهایت استفاده را کرد و مثلا ماجرای رستم و سهراب را به صورت انیمیشن تولید کرد و به بازارهای داخلی و خارجی معرفی نمود. با توجه به عطشی که در جامعه جهانی نسبت به مسائل فرهنگی اینچنینی وجود دارد حتما این انیمیشن‌ها با اقبال خوبی از سوی مخاطب مواجه خواهند شد.

■ با هم انیمیشن ببینیم

پیشتر بیان کردیم که متاسفانه در جامعه دیدگاهی وجود دارد که از این مسئله حکایت می‌کند که انیمیشن فقط مختص کودکان است و اگر بزرگسالان به تماشای آن بنشینند کار مسخره‌ای انجام داده اند، در حالیکه اولا در وجود هر بزرگسالی یک کودک درون وجود دارد و ثانیا در دنیای کنونی با مشکلات فراوانی که در زندگی همه ما وجود دارد انیمیشن می‌تواند به عنوان یک سوپاپ اطمینان عمل کند تا ما بتوانیم با توان بیشتری با مشکلات مبارزه کنیم و آنها را تحمل کنیم. بی‌شک انیمیشن‌ها ما را با دنیای دست نیافتنی آشنا می‌کند که روح بی‌قرارمان در دوران بزرگسالی سالهاست که عطش نزدیک شدن به آن را دارد و می‌خواهد آن را به دست آورد. این نهایت یک زندگی آرام و زیباست که هر کسی دوست دارد به آن دست یابد. آرزو و شاید رویایی که انیمیشن توان برآورده شدنش را دارد. لپ کلام اینکه همه ما به عنوان یک شهروند ایرانی، از مسئول و متولی امور فرهنگی گرفته تا مردم عادی باید در تحقق آنچه می‌دانیم می‌تواند شرایط افتخار آفرینی را برای سرزمین ما فراهم آورد، بکوشیم و نهایت تلاشمان را بکار بگیریم. انیمیشن نشان داده که این پتانسیل را دارد چرا که هم از هنرمند مستعدش برخوردار است و هم زمینه کار در سوژه‌های بکر و منحصر به فرد. بنابراین می‌مانیم ما و اینکه آیا دلمان بخواهد هنوزمسافر قطار سریع السیر انیمیشن باشیم یا در یکی از ایستگاه‌ها پیاده شویم.

«قبله عالم» کلید خورد

سریال «قبله عالم» به کارگردانی حامد محمدی در خانه طباطبایی‌های کاشان یکی از بناهای مربوط به نیمه‌ی دوم سده ۱۳ هجری کلید خورد. به گزارش صبا، در این سریال طنز که به اتفاقات تاریخی دوران ناصرالدین شاه می‌پردازد؛ تا امروز حامد کمیلی در نقش ناصرالدین‌شاه، شقایق دهقان در نقش مهد علیا، هادی کاظمی در نقش ظل الدوله و سوگل خلیق در نقش انیس الدوله جلوی دوربین رفته‌اند.

آفتاب — هنرمندان

ضد و نقیض درباره کرونای اکبر عبدی

صبح روز گذشته خبری در رسانه‌ها مبنی بر ابتلای اکبر عبدی به کرونا و وخامت حال وی در بیمارستان منتشر شد. در پی انتشار این خبر المیرا عبدی دختر اکبر عبدی بازیگر پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون گفت: پدرم کرونا ندارد وی به دلیل کسالت کلیوی در بیمارستان بستری شده بود که به لطف خدا برطرف شد و اکنون از بیمارستان مرخص شده است. وی در همین رابطه به میزان گفت: خبر ابتلای پدرم به کرونا را تکذیب می‌کنم. گفتنی است پیشتر امیرنوری در فضای مجازی هم از ابتلای خودش و هم از ابتلای اکبر عبدی خبر داده بود. این در حالیست که روز گذشته برادر این هنرپیشه پیشکسوت ضمن تایید خبر ابتلای اکبر عبدی به بیماری کرونا به ایسنا گفت: «اکبر عبدی فعلا در بیمارستان بستری است و زمان مرخص‌شدن‌هنوزبه‌طورقطعی‌مشخص‌نیست‌اما حال ایشان خوب است.» به گفته وی، اکبر عبدی این اواخر سر یک پروژه فیلمبرداری بوده، اما ابتلایش به کرونا به این کار مربوط نبوده و در زمان استراحت و تعطیلی کار رخ داده است. در عین حال بعدازظهر روز گذشته شهرام زمانی، مدیر برنامه‌های اکبر عبدی بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون در سخنانی کوتاه به موج گفت: آقای عبدی اکنون در بیمارستان تحت درمان هستند و مشکوک به کرونا هستند. هنوز چیزی قطعی نیست. وی افزود: این هنرمند پیشکسوت در حال حاضر در بیمارستان بستری هستند که به موقع به وضعیت ایشان رسیدگی شود.

آفتاب — رویدادهای هنری

جایزه برای «پشت پنجره ها»

فیلم کوتاه «پشت پنجره ها» به کارگردانی مهدی ایروانی برنده جایزه «power of the film» جشنواره بلویت آمریکا شد. این جایزه در بین تمام آثار پذیرفته شده در جشنواره اعم از کوتاه، بلند داستانی، کوتاه و بلند مستند به فیلمی تعلق می‌گیرد که از لحاظ ساختار و کلیت، تاثیر شگرف و قدرتمندی بر مخاطب بگذارد. به گزارش ایلنا، جشنواره بلویت آمریکا از ۱۹ تا ۲۸ فوریه در شهر بلویت ایالت ویسکانسین آمریکا به صورت مجازی برگزار شد و در مراسم اختتامیه آن هم برگزیدگان معرفی شدند.

«ناجی» در پایان راه

فیلم کوتاه «ناجی» به کارگردانی حسین ترک جوش و تهیه‌کنندگی سپهر جهانگیری و سارا دیاری‌پور با نزدیک شدن به پایان راه فیلمبرداری همزمان با تدوین مراحل آهنگسازی را سپری می‌کند. «ناجی» درام اجتماعی و محصول جدید بیتا فیلم تهران است که بهمن‌ماه سال جاری در روستای خاوه ورامین جلوی دوربین رفت. به گزارش ایلنا، در خلاصه داستان این فیلم آمده است: مهاجران هم موفق خواهند شد؛ اگر فقر بگذارد...

پایان ضبط «قوی گُنگ»

فیلمبرداری فیلم کوتاه «قوی گُنگ» به کارگردانی احسان عباسی که اواخر بهمن ماه در روستاهای اطراف شهرستان گرگان آغاز شده بود، به پایان رسید. به گزارش مهر، در خلاصه داستان این فیلم کوتاه آمده است: «میگن قُوی سفید یعنی آرزو، گاهی اوقات همون آرزوها تبدیل به هیولای ترسناکی تو زندگی میشن.»

«یک محکوم...» در انگلیس

فیلم کوتاه «یک محکوم به مرگ گریخته است» ساخته علی عامری مهابادی به بخش مسابقه فیلم‌سازان اول در جشنواره Lift-Off لندن راه یافت. به گزارش مهر، این اثر روایتگر داستان مردی است که در محبسی (واقعی یا ذهنی) گرفتار آمده است و سعی دارد که رنج‌های ناشی از تنهایی و زندان را تحمل کند. در عین حال به دنبال راهی برای گریز است، اما...

آفتاب — شاهنامه خوانی

ادامه جنگ کاوس با شاه مازندران

چو برق درخشنده از تیره میغ
همی آتش افروخت از گرز و تیغ
هوا گشت سرخ و سیاه و بنفش
ز بس نیزه و گونه گونه درفش
زمین شد بکردار دریای قیر
همه موجش از خنجر و گرز و تیر
دوان بادپایان چو کشتی بر آب
سوی غرق دارند گویی شتاب
همی گرز بارید بر خود و ترگ
چو باد خزان بارد از بید برگ
بیک هفته دو لشکر نامجوی
بروی اندر آورده بودند روی
بهشتم جهاندار کاوس شاه
ز سر بر گرفت آن کیانی کلاه
بپیش جهاندار گیهان خدای
بیامد همی بود گریان بپای
ازان پس بمالید بر خاک روی
چنین گفت کای داور راست گوی
برین نرّه دیوان بی‌بیم و باک
تویی آفریننده آب و خاک
مرا ده تو پیروزی و فرّهی
بمن تازه کن تخت شاهنشهی
بپوشید ازان پس بمغز سرش
بیامد بر نامور لشکرش
خروش آمد و ناله کرّ نای
بجنبید چون کوه لشکر ز جای
چو گودرز با زنگه شاوران
چو رهّام و گرگین جنگ آوران
گرازه همی شد بسان گراز
درفشی بر افراخته هفت یاز
چو فرهاد و خرّاد و برزین و گیو
برفتند با نامداران نیو
تهمتن بقلب اندر آمد نخست
زمین میمنه تا بدان میسره
بشد گیو چون گرگ پیش بره
ز شبگیر تا تیره شد آفتاب
همی خون بجوی اندر آمد چو آب
ز چهره بشد شرم و آیین مهر
همی گرز بارید گفتی سپهر
ز کشته بهر جای بر توده گشت
گیاها بمغز سر آلوده گشت
ازان سو که بد شاه مازندران
بشد پیل تن با سپاهی گران
زمانی نکرد او یله جای خویش
بیفشارد بر کینه گه پای خویش
چو دیوان و پیلان پرخاش جوی
بروی اندر آورده بودند روی
جهانجوی کرد از جهاندار یاد
سنان‌دار نیزه بدارنده داد
بر آهیخت گرز و برآورد جوش
هوا گشت از آواز او پر خروش
بر آورد آن گرد سالارکش
نه با دیو جان و نه با پیل هش
فگنده همه دشت خرطوم پیل
همه کشته دیدند بر چند میل
ازان پس تهمتن یکی نیزه خواست
سوی شاه مازندران تاخت راست
چو بر نیزه رستم افگند چشم
بماند ایچ با او دلیری و خشم
یکی نیزه زد بر کمربند اوی
ز گبر اندر آمد بپیوند اوی
شد از جادویی تنش یک لخت کوه
از ایران برو بر نظاره گروه
تهمتن فرو ماند اندر شگفت
سنان‌دار نیزه بگردن گرفت
برستم چنین گفت کای سرفراز
چه بودت که ایدر بماندی دراز
بدو گفت رستم که چون رزم سخت
ببود و بیفروخت پیروز بخت
مرا دید چون شاه مازندران
بگردن برآورده گرز گران
برخش دلاور سپردم عنان
زدم بر کمربند گبرش سنان
گمانم چنان بد که او شد نگون
کنون آید از کوهه زین برون
برین گونه شد سنگ در پیش من
نبود آگه از رای کم بیش من

آفتاب — کوتاه از هنر

هنرمندان در «ریشه ۲۹»

آفتاب یزد: گالری «ریشه ۲۹» به عنوان نخستین گالری فضای باز ایران (open Air) فردا پانزدهم اسفند آغاز به کار می‌کند. این گالری که در باغی در خیابان فرشته قرار گرفته شده است، در نخستین اتفاق خود هم زمان با روز درخت کاری به نام شش هنرمند شاخص ایران که سالیان متمادی به آفرینش آثار هنری با موضوع درخت پرداختند، شش نهال درخت خواهد کاشت. این شش هنرمند عبارتند از: سهراب سپهری، عباس کیارستمی، حسین محجوبی، داوود امادیان، ابوالقاسم سعیدی و منوچهر نیازی که در یک فضای ویژه گزیده‌ای از آثارشان نیز به نمایش در خواهد آمد. هم زمان، رویدادی محیط‌زیستی توسط امین شجاعی هنرمند بینارشته‌ای در محوطه باغ اجرا خواهد شد.

نقاشی قاجاری در کریستی

در حراج آینده بخش جهان اسلام و هند کریستی که در روز یک آوریل ۲۰۲۱ برگزار می‌شود یک نقاشی مربوط به دوره قاجار که به تازگی دوباره بعد از سالها کشف شده حضور دارد که اهمیت این حراج را بالا برده است. در این تابلوی نقاشی، شاهزاده‌های دوره قاجار در سال جدید ایرانی موسوم به نوروز به تصویر کشیده شده است. این تابلو در اوایل دهه ۲۰ میلادی توسط فردریک کلی بارتلت (۱۹۵۳-۱۸۷۳) هنرمند و مجموعه دار آمریکایی خریداری شده بود و در استودیوی خانوادگی‌اش در فلوریدا نگهداری می‌شد. به گزارش صبا، تابلوی مربوط به دوره قاجار در اوایل قرن نوزدهم در حراج کریستی عرضه شده بود و نشان‌دهنده قدرت و شوکت پادشاه بود. اندازه این تابلو ۱۰۱*۱۷۴ اینچ است و تخمین زده می‌شود که بین یک تا ۱,۵ میلیون پوند فروخته شود.

«انگاشته» در نیویورک

در حالی که حدود ۶ ماه از اکران «انگاشته» در ایالات متحده می‌گذرد، کمپانی برادران وارنر اعلام کرد این فیلم علمی - تخیلی ساخته کریستوفر نولان، در ۵ سینمای شهر نیویورک اکران خواهد شد. هفته گذشته آندرو کوئومو فرماندار نیویورک، اعلام کرد سینماهای شهر نیویورک این اجازه را خواهند داشت که از روز پنجم مارس درهای خود را به روی مردم باز کنند. سه مورد از سینماهایی که «انگاشته» در آن نمایش داده خواهد شد، متعلق به سینمای زنجیره‌ای AMC است. «انگاشته» با بازی جان دیوید واشینگتن و رابرت پتینسون در نقش‌های اصلی، اولین فیلم مهم هالیوود بود که در طول همه‌گیری بیماری کرونا در سینماها اکران شد. به گزارش باشگاه خبرنگاران، فیلم «انگاشته» با ۲۰۰ میلیون دلار بودجه ساخت یکی از گران‌ترین فیلم‌های کریستوفر نولان لقب گرفت.

«آنتونیونی» به سینما می‌آید

فیلمنامه‌ای که «میکل آنجلو آنتونیونی» در دهه ۷۰ میلادی موفق به ساخت آن نشد، در ایتالیا و برزیل مقابل دوربین خواهد رفت. این کارگردان سرشناس، سال ۲۰۰۷ در ۹۵ سالگی درگذشت. آنتونیونی، کارگردان بزرگ سینمای ایتالیا، فیلمنامه‌ای با عنوان «Technically Sweet» در اوج دوران حرفه‌ای خود نوشته و قرار بود این فیلمنامه را در بین فیلم‌های «نقطه زابریسکی» (۱۹۷۰) و «مسافر» (۱۹۷۵) به سینما بیاورد، اما در نهایت در ۱۹۸۰ از ساخت این فیلم منصرف شد و آن را به «بیگریس ریستوم» دستیارش سپرد. به گزارش خبرآنلاین، ریستوم، عمر کوتاهی داشت و نتوانست این فیلمنامه را بسازد و حالا قرار است پس از گذشت چند دهه فرزندش، آندرس ریستوم کارگردان فیلم‌هایی چون «کشورم» و «روی دیگر بهشت»، این فیلمنامه را به پرده نقره‌ای برساند.

شکرخدا گودرزی تاجر «سلمان فارسی» شد

شکرخدا گودرزی بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون از حضورش در سریال «سلمان فارسی» داود میرباقری خبر داد و گفت: قرار بود امسال جلوی دوربین بروم اما هنوز به قصه نقش کلبی نرسیده است و احتمال دارد در اوایل سال ۱۴۰۰ جلوی دوربین داود میرباقری بروم.

به گزارش تسنیم، او با اشاره به نقش کلبی در سریال «سلمان فارسی» گفت: کلبی تاجری است که سلمان فارسی را از اورشلیم تا حجاز می‌آورد و وسط راه، او را به یک یهودی می‌فروشد.